

مواد مخدر چیست؟

دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر



تعریفی که سازمان بهداشت جهانی در مورد مواد مخدر عرضه داشته است کاملاً فراگیر می باشد: «هر ماده‌ای که موجب بروز اختلالات در ارگانیزم بدن انسان شود، مواد مخدر محسوب می شود.»

با این تعریف هر دارویی را می توان ماده مخدر قلمداد کرد. بر همین اساس ماده مخدر می تواند جدای از مصرف پزشکی، مصرف غیرپزشکی نیز داشته باشد. حتی موادی مانند الکل نیز که رفتارهای فیزیکی را تحت تأثیر قرار می دهند، با این تعریف مواد مخدر محسوب می گردند.

این مواد که بعضاً از گیاهان و ترکیبات شیمیایی به دست می آیند، داروهای روان گردان نامیده می شوند. بدین معنا که مصرف آنها موجب بروز اختلالاتی در سیستم عصبی و تغییراتی در فعالیتهای ذهنی، احساسی و رفتاری می شود.

مخدر در پانزده سال اخیر نزد جوانان بیش از سایر گروه‌های سنی افزایش یافته است، دلایل آن را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

۱ - استعمال موقتی مواد مخدر به واسطه شرایط دوران بلوغ:

در این مورد صحبت از اعتیاد نیست. این عمل نوجوانان مانند سایر رفتارهای دوران بلوغ تلاشی برای ارضای کنجکاوی، مقابله با محدودیتها و ممنوعیتهای اعمال شده از جانب خانواده و اطرافیان و سعی در تطبیق خود با نوجوانان جنس مخالف صورت می‌گیرد. برخلاف حس برتری جویی در بزرگسالان، نوجوانان تلاش می‌کنند تا خود را با سایر افراد گروه منطبق کنند که البته چنین رفتاری موقتی و مخصوص دوران بلوغ است. وقتی چنین رفتارهایی از شخصیتی سالم سر می‌زند که در کنار سایر افراد گروه قادر به حل مشکلات دوران بلوغ است، او هیچ‌گاه در صدد مخالفت با سایر رفتارهای پذیرفته شده از جانب گروه بر نمی‌آید.

۲ - استعمال مواد مخدر، نشانه مشکلات عمیق‌تر: در این مرحله، افراد با مشکلات روحی و روانی جدی‌تری روبرو هستند. این مشکلات می‌تواند ناشی از دلایل گوناگونی مانند: رودرویی با مشکلاتی همچون مشکلات خانوادگی در کنار تنشهای ناشی از دوران بلوغ، جدایی والدین، مرگ پدر یا مادر باشد.

درست است که گروه می‌تواند راهگشای افراد برای مصرف مواد مخدر و پس از آلودگی به مصرف آن، پناهگاهی برای آنان باشد، اما با این حال استعمال مواد مخدر بیشتر تحت تأثیر

ماده مخدر وابستگی شدیدی را در فرد به وجود می‌آورد و اراده وی را از او سلب می‌کند. این مواد همچنین می‌تواند در نهایت موجب بروز بی‌حسی و نوعی حالت عصبی و روانی در شخص معتاد شده، تکرار مداوم مصرف آن، باعث وخیم‌تر شدن حالات روانی وی گردد.

از آنجا که از دیرباز، آثار مخرب و زیان‌آور مواد مخدر همانند: مرفین و هروئین بر افرادی که دچار آنها شده‌اند، نمایان شده است، این موضوع در کنوانسیون بین‌المللی مواد مخدر مورد بحث قرار گرفت.

عوامل مؤثر در استعمال مواد مخدر

الف - عوامل فردی و شخصیتی:

پاسخ به این سؤال که چرا افراد مواد مخدر مصرف می‌کنند، چندان ساده به نظر نمی‌رسد، زیرا افرادی با شخصیت‌های گوناگون، توجهاتی کاملاً متمایز برای روی آوردی به مواد مخدر دارند. اشکال گوناگونی برای رابطه فرد با ماده مخدر، تأثیراتی که او از ماده مخدر می‌طلبد و زمینه‌های خانوادگی و اجتماعی که وی را وادار به استعمال مواد مخدر می‌کند، وجود دارد. بنابراین در موارد گوناگون دلایل گرایش مشخص به ماده مخدر متفاوت است. اگر سعی بر این باشد که از جهات گوناگون به این سؤال پاسخ داده شود، می‌توان سه محور را در نظر گرفت: شخص و شخصیت او، خانواده و محیط خانوادگی، جامعه و محیط اجتماعی.

ماهیت استعمال مواد مخدر

اگر این نظریه را بپذیریم که استعمال مواد



فشارهای روانی شخصی است تا تأثیرات گروهی. مصرف مواد مخدر علاوه بر اینکه وسیله‌ای برای گریز از مشکلات است، می‌تواند به عنوان هشدار به اطرافیان نسبت به هدایت فرد معتاد قلمداد شود. این هدایت بستگی به میزان شناخت عوامل گرایش فرد به مواد مخدر، تلاش برای درک مشکلات فرد و کمک به رفع آنها دارد.

۳- استعمال مواد مخدر، نشانهٔ تزلزل شخصیت: در این مرحله ریشه‌های گرایش فرد به مواد مخدر تنها به دوران بلوغ و نوجوانی مربوط نمی‌شود، بلکه باید روند رشد شخصیت و مراحل تکامل آن را عمیقاً مورد مطالعه قرار داد. اگرچه نمی‌توان الگوی شخصیتی مشخصی برای معتادان ارائه داد، اما همیشه می‌توان در ورای مصرف مواد مخدر علائمی از کمبود شخصیت و نارسایی در تکامل آن را مشاهده کرد. چنین افرادی که دچار تزلزل شخصیت هستند، همواره برای قطع وابستگی خود از محیط و افراد، با خود درگیرند. زمانی که دیگر دسترسی به چنین استقلال‌ی برایشان غیرممکن

به نظر می‌رسد، به مواد مخدر به عنوان تکیه‌گاهی پایدار روی می‌آورند و وابسته می‌شوند. این وابستگی در یک نوسان دائمی است و مرتباً حول ترک کامل مواد مخدر و مصرف بی‌رویه آن در نوسان است. از یک سو ارادهٔ فرد او را تشویق به ترک می‌کند و از سوی دیگر یک نیاز درونی وی را تحریک به مصرف دیوانه‌وار مواد مخدر می‌نماید، تا جایی که هر محدودیتی را پشت سر گذاشته، خود را در معرض نابودی کامل قرار می‌دهد.

ب - خانوادهٔ معتادان :

گاهی اوقات علل گرایش فرد به مواد مخدر را می‌توان در خانواده جست و جو کرد. به این ترتیب که افرادی که زودتر از زمان معمول و بنا به دلایل مختلف از خانواده جدا و یا به وسیلهٔ آن رها می‌شوند و به اندازهٔ کافی از محبت خانوادگی، به خصوص مهر مادری برخوردار نمی‌شوند، برای جبران این کمبود به مواد مخدر روی می‌آورند. برعکس خانواده‌هایی نیز

هستند که شخص به سختی می تواند (به منظور کسب استقلال فردی) در دوران بلوغ از آنها فاصله بگیرد، که این امر بیشتر در مورد فرزند آخر یا تنها فرزند خانواده مصداق دارد. از سوی دیگر، برخی رفتارهای حمایتگرانه والدین که سعی در حفظ و استحکام روابط خانوادگی دارند، می تواند عاملی برای تبدیل وابستگی بیش از حد فرد به خانواده، به یک وابستگی دیگر یعنی وابستگی به مواد مخدر باشد. در چنین مواردی ممکن است وابستگی فرد به خانواده به مرحله ای برسد که خانواده حتی خود را موظف به تأمین هزینه مواد مخدر فرزند کند.

تشنخیص ارتباط هریک از این عوامل با مصرف مواد مخدر مشکل است، با این حال دو عامل را می توانیم مورد توجه قرار دهیم: بحران زدگی و مصرف زدگی جوامع.

بحران زدگی جوامع:

بحران ارزشها، بحران ساختارهای بنیادی جامعه، عدم امید به آینده، وجود مشکلات و کمبود امکانات برای جوانان و نبود مأوایی که جوانان بتوانند در هنگام بروز مشکلات بدانجا پناه ببرند موجب افزایش روزافزون شمار جوانان مطرود از جامعه می شود. جوانانی که به اعمال خشونت علیه خود یا دیگران روی می آورند. این خودستیزی دو نوع عمده دارد: خودکشی و اعتیاد.

در جوامع بحران زده فشار معضلات گوناگونی همانند: فقر، بیکاری، مشکل مسکن، ناکامی تحصیلی، مشکلات خانوادگی و ... اغلب فرد را مورد هجوم قرار می دهند و موجب افزایش عدده افراد مطرود و منزوی می شوند.

مصرف زدگی جوامع:

جامعه مصرف زده یعنی جامعه ای که سعی دارد تلقین کند خوشبختی و آسایش در مصرف بی حد و حصر انواع محصولات و کالاهای غیر ضروری است. امروزه در پیامهای تبلیغاتی این نوع جوامع، این شعار دائماً خودنمایی می کند: «همه چیز را مصرف کنید، بیشتر،

در تمام کشورها، استعمال انواع بخصوصی از مواد مخدر، منع قانونی ندارد مانند: الکل، دخانیات و داروهای اعصاب در فرانسه.

عوامل اجتماعی

در تمامی جوامع و در هر زمانی استعمال این گونه مواد می تواند کاربردهای متفاوتی داشته باشد از جمله: کمک به شخص برای فراموش کردن مسائل و مشکلات روزمره زندگی، افزایش مقاومت شخص بیمار در برابر درد به عنوان آرام بخش، وسیله ای برای رونق بخشیدن به مجالس و مهمانیها و ... در کنار مصارف قانونی این گونه مواد، همیشه سوءاستعمال، زیاده روی و قانون شکنی در مصرف آنها به چشم می خورد. در همین جاست که می توان این سؤال را مطرح کرد که چرا مصرف مواد مخدر روز به روز در نزد جوانان افزایش می یابد؟

ما معمولاً عادت داریم عوامل گوناگونی را

شود. صحت اطلاعات ارائه شده، عدم انکار ابعاد مثبت و منفی موادمخدر و سعی در تبدیل نصایح به درد دل‌های دوستانه از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. در مورد موضوع یاد شده، جوان نیز برای خود عقایدی دارد و دائماً سؤال‌های متعددی به ذهنش خطور می‌کند. بنابراین بهتر است بزرگترها قبل از اینکه خود شروع به صحبت کنند، با دقت تمام

سریع‌تر، آسان‌تر».

در میان انبوه کالاهایی که برای «بهبتر زندگی کردن» مصرف می‌شوند، داروهای اعصاب و آرام‌بخش سهم عمده‌ای را اشغال کرده‌اند. مصرف این داروها گاهی اوقات حتی از درون گهواره آغاز می‌شود و به این ترتیب، عوامل متعددی دست به دست هم می‌دهند تا فردی با شخصیتی مستزلزل را در سراسیمگی مصرف بی‌رویه موادمخدر و بالطبع طرد دائمی از جامعه قرار دهند.

پیشگیری از مصرف موادمخدر

وقتی قصد مبارزه با یک پدیده و یا پیشگیری از آن را داریم که شکل و قالب مشخصی برای آن وجود ندارد، معمولاً روش‌های گوناگونی را برای پیشگیری از ابتلای به آن اتخاذ می‌کنیم. به عنوان مثال، شیوه‌هایی که برای بازداشتن جوانان از گرایش به مواد مخدر استفاده می‌شود با روش‌های اعمال شده در مورد معتادین با سابقه کاملاً متفاوت است، چراکه عوامل گرایش هر یک از آنان به مواد مخدر نیز تفاوت‌های اساسی دارد. مثلاً در مورد جوانان، عواملی چون تبعیت از هنجارهای گروه یا جست و جوی نوعی لذت واهی ممکن است موجب گرایش آنها به موادمخدر شود.

الف - چگونه جوانان را آگاه کنیم؟

در این مرحله آگاه‌سازی جوان فوق‌العاده مهم است؛ به شرط آنکه به حساسیت و ظرافت شخصیت وی توجه شده، از دادن درس اخلاق و بیش از حد بزرگ جلوه دادن مسأله خودداری



آموزشی و ... متخصصان ویژه اهمیت اطلاع رسانی را درک کرده، در حال تهیه و گسترش امکانات مربوط هستند.

ج - توجه در اتخاذ روشی مناسب

مصرف انواع مهلک و نایاب مواد مخدر مخصوص معتادان با سابقه است و تأثیرات و پیامدهای ناشی از آن با تأثیرات ناشی از مصرف موقتی و کوتاه مدت متفاوت است. بنابراین راههای پیشگیری از آنها نیز فرق می کند. در مورد جوانان، تنها مطلع کردن آنها از خطرهای و پیامدهای ناشی از مصرف مواد مخدر کافی نیست، چراکه امروزه همه آنها به خوبی می دانند که مصرف موقتی می تواند به یک اعتیاد دائمی تبدیل شود. مصرف مواد مخدر قوی، نتیجه یک اعتیاد طولانی است و شیوه برخورد با آن کاملاً با روشهای اعمال شده برای جلوگیری از اعتیاد جوانان که معمولاً هر نوع ماده ای را که در دسترسشان باشد مصرف می کنند، کاملاً متفاوت است.

شنوای حرفهای طرف مقابل باشند. اگر قادر باشیم فضای خوبی را برگفت و گویایمان حاکم کنیم، حرفها، نظریات و رفتارمان جوان مخاطب ما را تحت تأثیر قرار داده، مجذوب می کند. نصایح و حرفهایی که به این ترتیب بین یک جوان و فردی بزرگسال رد و بدل می شود از روشهای فنی مؤثرتر است. بنابراین در پاسخ به این سؤال که در گفت و گو با جوانان بهتر است از نظریات شخصی استفاده کنیم یا از روشهای کارشناسانه، باید گفت این موضوع به شخصی که وظیفه هدایت جوان را به عهده گرفته است مربوط می شود. بعد از اینکه به صحبتهای جوانان گوش فرا دادیم، بسیار مناسب خواهد بود تا به او محبت کنیم و او را از تجربیات شخصی خود آگاه نماییم. در این میان چیزی را که نباید فراموش کرد، خاطر نشان ساختن ممنوعیت استعمال غیر قانونی مواد مخدر است. بیش از آنکه سعی در عملی کردن بحث داشته باشیم، باید بر روی ویژگی زندگی افراد معتاد و رابطه آنها با مواد مخدر بحث کنیم.

ب - نقش بزرگترها در پیشگیری از مصرف مواد مخدر چیست؟

مطالب مطرح شده اهمیت نقش اطرافیان را آشکار می کند. والدین، معلمان، مربیان و ... اساسی ترین نقش را در پیشگیری از اعتیاد جوانان دارند. اما خود آنها نیز اکثر اوقات نمی دانند چه باید بکنند، چه بگویند یا چگونه عمل کنند. در چنین مواردی امکانات بسیاری وجود دارد که می توان از آنها به منظور کسب اطلاعات بیشتر و درک عمیق تر مسأله استفاده کرد، همانند مطلبی که در حال مطالعه آن هستید، گردهماییها، اجلاسها، کلاسهای

هیچ معتادی در اولین مراحل اعتیاد اقدام به مصرف مواد مخدر قوی نمی کند. مصرف این گونه مواد نشانه طولانی بودن مدت اعتیاد است. بنابراین آگاه کردن فرد معتاد در این مرحله که آخرین مرحله اعتیاد است، دیگر کارساز نخواهد بود. روند آگاه سازی افراد باید از اولین مراحل بلوغ آغاز شود و در تمام مراحل و ابعاد زندگی آنان وجود داشته باشد.



مسئولیت والدین، مسئولیت تمام افراد خانواده

موجود در زندگی اش را با والدین خود در میان می‌گذارد، خانواده یا اطرافیان قادر به حل مشکل او نباشند، در این صورت باید او را به یک فرد آگاه معرفی کنند. لازم نیست فرد یادشده حتماً متخصص باشد، هرکس که قادر به شناخت و درک علائم مشکل موجود باشد می‌تواند در حل آن مفید واقع شود. برای آغاز یک حرکت هماهنگ به منظور رفع مشکل، متخصصان می‌توانند از اطلاعات و راهنماییهای اطرافیان نیز بهره‌مند شوند.

پیشگیری از آلوده شدن افراد به مواد مخدر از اولین مراحل رشد، یعنی از زمانی که کودک قادر به برقراری ارتباط دو جانبه با والدین است، آغاز می‌شود. والدین با قدرت تلقین، ارزشها و الگوهای رفتاری را به کودکشان می‌آموزند. کودک عادت دارد «همه چیز را در آن واحد طلب کند» و در صورت عدم برآورده شدن خواستی بنای گریه و زاری را بگذارد. والدین باید سعی کنند زمانی که برآوردن خواست کودکشان برای آنها امکان ندارد، بی‌جهت فرزندشان را امیدوار نسازند. ممکن است هنگامی که جوان یا نوجوانی، مشکل